

یادداشت‌های پنج ساله

گابریل گارسیا مارکز
ترجمه بهمن فرزانه

فهرست

۹	۱۹۸۰
۱۱	شیخ جایزه نوبل
۱۹	بار دیگر در باره شیخ نوبل
۲۷	اندیشه‌خوانی بدون سیم
۳۳	نه، دل‌تنگی با سابق فرقی نکرده است
۳۹	این کریسمس‌های شوم
۴۵	داستانی مخوف برای شب سال نو
۵۱	۱۹۸۱
۵۳	بیست و پنج میلیون کیلومتر مربع، بدون حتی یک گل
۵۹	شعر، در دسترس اطفال
۶۳	بیماری سیاسی محمدرضا پهلوی
۶۹	علاج ترس از پرواز
۷۵	یک روز یکشنبه شگفت‌انگیز
۸۱	سؤالی بدون جواب
۸۳	اولین و آخرین توضیح برای جریانی نامطبوع

۲۳۵	داستان‌هایی که هرگز ننوشته‌ام
۲۴۱	هوایمای زیبای خفته
۲۴۷	داستان بعد از داستان
۲۵۳	همینگوی در کوبا
۲۵۹	ارندیرای معصوم و مادر بزرگش ایرنه پاپاس درهای آمریکا نباید نیمه‌باز باشند، باید ورود
۲۶۵	بر هر کسی ممنوع بشود
۲۷۱	فیلمنامه نویسان در نیمه تاریکی
۲۷۷	۱۹۸۳
۲۷۹	توقف بیست ساعت گراهام گرین در هاوانا
۲۸۳	بسیار خوب، باز هم در مورد ادبیات صحبت کنیم
۲۸۹	خاطرات یک نفر معتاد به سیگار بازنشسته
۲۹۵	داستان‌های گمشده
۲۹۹	سعادت این‌که نباید صف بایستی
۳۰۳	برای دیگران خواب می‌بینم
۳۰۹	افتخارات نسیان
۳۱۵	ویلیام گولدینگ از دید همسایه‌هایش
۳۲۱	پاسترناک، بیست و دو سال بعد
۳۲۷	قصه‌هایی برای کودکان
۳۳۳	۱۹۸۴
۳۳۵	رمان چگونه نوشته می‌شود
۳۴۱	سند مهلک
۳۴۷	همه آن آرژانتینی را دوست داشتند

۹۳	چه کسی حرف‌های ژانت کوکی را باور می‌کند؟
۹۹	ماریا، محبوبه دل من
۱۰۵	ارواح سرگردان
۱۱۱	بار دیگر درباره ادبیات و واقعیت
۱۱۷	مصاحبه؟ نخیر، متشکرم
۱۲۳	همینگوی خصوصی من
۱۳۱	اشباح جاده‌ها
۱۳۷	داستان داستان
۱۴۳	دنباله داستان داستان
۱۴۷	مشکلات یک نویسنده جوان
۱۵۳	عمر طولانی و سعادت‌مندانه مارگاریتو دوآرته
۱۵۹	کوکاکولا، یادش بخیر
۱۶۵	۱۹۸۲
۱۶۷	اسپانیا: دلتنگی دلتنگی
۱۷۳	داستان‌های خیابانی
۱۷۹	شلیک به روی گراهام گرین
۱۸۵	آن من دیگر من
۱۹۱	مزخرفات آنتونی کوئین
۱۹۷	ماهی قرمز است
۲۰۵	سی و پنجمین فستیوال سینمایی کن
۲۱۱	ملاحظات یک عضو هیئت قضات در فستیوال کن
۲۱۷	تابستان در رم
۲۲۳	بیچاره آن مترجمان خوب
۲۲۹	پیری جوانانه لوئیس بونوئل

شیخ جایزه نوبل

هر سال در همین دوره، شیخی آرام و قرار از دست نویسندگان می‌گیرد: جایزه نوبل ادبیات. خورخه لوئیس بورخس^۱ که تقریباً همیشه کاندیدای این جایزه است، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعتراض کرده بود که چگونه برای دو ماه آن همه پیش‌بینی در نگرانی معلق نگهش می‌دارد و عذابش می‌دهد. بدون شک بورخس شایسته‌ترین نویسنده اسپانیولی‌زبان برای جایزه نوبل است. و هر سال بی‌رحمانه و ناگریز این بلا را بر سرش می‌آورند. بدبختانه نتیجه نهایی به شایستگی و حق مسلم کاندیدا ربطی ندارد؛ به انصاف و عدالت خداوند متعال نیز مربوط نیست. به اراده اسرارآمیز هیئت داوران آکادمی سوئد مربوط می‌شود و بس.

به گمانم پیش‌بینی‌ها هرگز درست از آب درنیامده‌اند و اغلب خود نویسندگان، بیش از دیگران، از برنده شدن حیرت‌زده شده‌اند. وقتی ساموئل بکت^۲، نمایشنامه‌نویس انگلیسی، در سال ۱۹۶۹ تلفنی مطلع

۱. Jorge Luis Borges (۱۸۹۹-۱۹۸۶)؛ نویسنده آرژانتینی. - م.

۲. Samuel Beckett (۱۹۰۶-۱۹۸۹)؛ نویسنده ایرلندی که هم به زبان انگلیسی می‌نوشت و هم به فرانسه. - م.

شده بود برندهٔ جایزهٔ نوبل شده است، بسیار خشمگین شده و گفته بود: «خداوندا، چه بلایی بر سرم آمد!»

پابلو نرودا^۱ در سال ۱۹۷۱ سه روز قبل از آن‌که خبیر در روزنامه‌ها چاپ شود، مطلع شده بود. آن هم به خاطر پیغام محرمانه‌ای از سفارت سوئد. با این حال شب بعد گروهی از دوستانش را در پاریس به شام دعوت کرد. در آن زمان او سفیر کشور شیلی در فرانسه بود و هیچ‌یک از ما دلیل آن جشن را نمی‌دانستیم تا این‌که روزنامه‌های شبانه خبر را منتشر کردند. بعد نرودا برایمان گفت: «تا وقتی چیزی را به چشم خودم نبینم، باور نمی‌کنم.» و خنده را سر داده بود. چند روز بعد در رستوران شلوغ و پرسروصدایی در خیابان مونپارناس، گفت هنوز نطق خود را ننوشته است. چهل و هشت ساعت بعد باید در استکهلم جایزه را دریافت می‌کرد. آن وقت ورقهٔ لیست غذاها را پشت و رو کرد و به همان آسانی که نفس می‌کشید، با همان جوهر سبزی که اشعار خود را می‌نوشت، نطق زیبای تاجگذاری‌اش را نوشت.

بین نویسندگان و منتقدان این روایت رواج دارد که هیئت قضات سوئدی از ماه مه توافق می‌کنند. وقتی برف‌ها دارند آب می‌شوند، آثار چند نویسندهٔ کاندید شده را مرور و بررسی می‌کنند و در بحبوحهٔ گرمای تابستان، در ماه اکتبر که هوا هنوز از آفتاب‌های جنوبی گرم است، به نتیجهٔ نهایی می‌رسند و تصمیمشان قطعی می‌شود. بنابر روایتی دیگر خورخه لوئیس بورخس از همان ماه مه ۱۹۷۶ انتخاب شده بود ولی در ماه نوامبر خبری نشد. در واقع برندهٔ جایزهٔ نوبل آن سال سال بلو^۲ بود. همان نویسندهٔ عالی و به‌رحال غم‌انگیز. در لحظهٔ آخر با عجلهٔ تمام او را

۱. Pablo Neruda (۱۹۰۴-۱۹۷۳)؛ شاعر شیلیایی. - م.

۲. Saul Bellow (۱۹۱۵-۲۰۰۵)؛ نویسندهٔ کانادایی - آمریکایی. - م.

انتخاب کرده بودند. با وجود این‌که برندگان چند بخش دیگر هم آمریکایی بودند.

واقعیت این بود که در تاریخ بیست و دوم سپتامبر همان سال (یک ماه قبل از رأی نهایی) بورخس عملی انجام داده بود که به هیچ‌وجه به ادبیات او ربط نداشت. بورخس برای ملاقاتی رسمی نزد ژنرال آگوستو پینوشه^۱ رفته و در نطقی افتتاحیه گفته بود: «جناب رییس‌جمهور، مشرف شدن نزد سرکار، افتخاری است که این جانب شایستگی‌اش را ندارم.» و ادامه داده بود: «در آرژانتین، شیلی و اوروگوئه دارد نظم و برنامه‌ریزی و آزادی برقرار می‌شود؛ در قاره‌ای که سراسر در هرج و مرج و کمونیسم غرق شده است.» بدیهی است که آن همه تعریف و تمجید صرفاً برای مسخره کردن پینوشه بود، ولی سوئدی‌ها اهل شوخی نیستند و آن را نمی‌فهمند. و از آن وقت به بعد، نام بورخس از فهرست کاندیداهای نوبل حذف شد. حالا پس از خاتمهٔ آن توبیخ بی‌انصافانه، بار دیگر در مورد او صحبت می‌کنند. همگی ما که در آن واحد هم خوانندگان سیری‌ناپذیر آثار او و هم حریف‌های سیاسی اویم، از ته دل آرزو می‌کنیم عاقبت او از نگرانی دوره‌ای خود خلاص شود.

دو نویسنده که به انگلیسی می‌نویسند در حال حاضر رقیبان سرسخت و خطرناک اویند. در سال‌های گذشته از اولی چندان خبری نبود و اکنون چنان تحسین و تمجیدش می‌کنند که مجلهٔ نیوزویک عکسش را روی جلد خود چاپ کرده است؛ در شمارهٔ هجدهم اوت. او استاد نویسندگی است و دلایلش را هم مفصل ذکر کرده‌اند. اسم کاملش ویدیادهار سوراج‌پراساد ناپیل^۲ است. چهل و هفت سال دارد. در همین

۱. Augusto Pinochet (۱۹۱۵-۲۰۰۶)؛ دیکتاتور معروف شیلی. - م.

۲. Vidiahur Surajprasad Naipaul؛ متولد ۱۹۳۲ در جزیرهٔ ترینیداد. برندهٔ جایزهٔ نوبل در